

## متن سخنرانی افتتاحیه جناب آقای دکتر نوربخش

مقام محترم ریاست کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

### بسم الله الرحمن الرحيم

قبل از هر چیز لازم می‌داند که از طرف بانک مرکزی و برگزار کنندگان سمینار، از تمامی حضار، خواهران و برادرانی که با حضور خودشان موجب رونق بیشتر کار این سمینار شدند، تشکر کنم. آرزو دارم که انشاءالله این سمینار از توفیق برخوردار بوده و نتیجه‌گیری‌های مثبت و سازنده‌ای برای کشور داشته باشد. با توجه به موضوع سمینار که بحث روش‌های اجرایی افزایش کارآیی می‌باشد، صحبت خودم را به دو قسمت مشخص تقسیم کرده به صورت فشرده و در زمانی کوتاه خدمتتان عرض می‌کنم. یکی مربوط می‌شود به تصویر و خلاصه‌ای از عملکرد سیستم بانکی در سال که گذشت. معمولاً ما از این فرصت استفاده کرده و تصویری را از اوضاع ارزی و ریالی ارایه می‌دهیم. قسمت دوم بحث را به مجموعه تصمیم‌هایی که به برنامه سوم مربوط می‌شود و در جهت افزایش کارآیی سیستم مؤثر است، اختصاص داده‌ام. این پیشنهادها و تصمیم‌ها صرفاً در جهت افزایش کارآیی سیستم بانکی، در هیأت دولت و کمیسیون‌های مختلف طرح و خوشبختانه مورد قبول واقع گردیده و مطمئناً در راه رسیدن به مدیریتی بهتر مؤثر خواهد بود. در پایان بحث به فضای کلی تنظیم برنامه سوم و مسایل اساسی اقتصاد کشورمان، مثل مسأله رکود و تورم و روش‌های خروج از آن و به هر حال آنچه به نظر می‌رسد مفید باشد، اشاره نموده و نکاتی را عرض می‌کنم.

همان‌طور که جناب آقای دکتر نمازی اشاره فرمودند، سال گذشته از دو جهت برای سیستم بانکی سال سختی بود. مسأله کاهش ۵ میلیارد ریال از درآمدهای دولت که سیستم بانکی را تحت دو فشار متفاوت قرار می‌دهد: یکی بحث تأمین نیازهای اساسی کشور است که به طور مشخص از خارج تأمین خواهد شد، گردش نقدینگی ارزی بانک مرکزی در سیستم بانکی و مقابله با بحران‌هایی که به هر حال به نکت درآمدهای ارزی می‌انجامد.

نکته دوم مقابله با آثار ریالی اقداماتی است که دولت در جهت تأمین نیازهای خود از طریق استفاده

از منابع بانکی خواهد کرد. اگر میانگین قیمت نفت را در بیست سال گذشته مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که در سال ۱۳۷۷ قیمت نفت در میزان حداقل قرار داشت؛ یعنی ۵ میلیارد دلار کاهش در درآمدهای نفتی یا به عبارتی، قیمت نفت حدود ۱۰/۵ دلار بود. توجه دوستان را به این نکته جلب می‌کنم که حتی در سال‌هایی که گفته می‌شد با قیمت‌های بسیار پایینی روبه‌روی هستیم، مانند سال ۱۳۶۵ یا سال ۱۳۶۷، فقط مدت زمان کوتاهی قیمت نفت به زیر ۱۰ دلار رسید؛ مثلاً ۸ دلار و ۷ دلار. ولی، میانگین قیمت باز بیش از آن چیزی بود که در سال ۱۳۷۷ وجود داشت. در سال ۱۳۶۵، میانگین قیمت نفت در حدود ۱۳/۵ دلار و در سال ۱۳۶۷، حدود ۱۴ دلار بود؛ در حالی که در سال ۱۳۷۷، ۱۰/۵ دلار بود؛ یعنی ۵ میلیارد دلار کاهش در درآمدهای ارزی کشور.

خوشبختانه، به سبب مجموعه‌ی همکاری‌های بین بانک‌های تجاری و سایر بانک‌ها با بانک مرکزی، دسترسی به اطلاعات دقیق و تأمین به موقع نیازها و سایر همکاری‌ها، به موقع امکان‌پذیر گردید که به سبب آن توانستیم با ابعاد این بحران به طور کامل مقابله کرده و موفق شویم. بحرانی که ممکن بود برای بانک‌های ما در سطح بین‌المللی آثار بسیار زیان‌باری چه از لحاظ نکل در پرداخت گشایش‌های اعتباری و چه از لحاظ کاهش اعتبار سیستم بانکی در سطح جهانی به وجود آورد. اکنون که در خدمت شما هستیم، طبق آخرین گزارشی که از کمیسیون ذخایر ارزی کشور در جلسه دیروز به من رسیده، تمامی تعهدات سیستم بانکی به روز انجام شده است. به عبارت دیگر، من اعلام می‌کنم که سیستم بانکی هیچ نوعی تعهد معوقه‌ای از نظر ارزی و از نظر بین‌المللی ندارد و اگر موردی هست، حتماً به بانک مربوطه مراجعه شود. مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره موظفند با توجه به پشتیبانی بانک مرکزی از آنها، این تعهدات را به روز انجام دهند. بنابراین، فکر می‌کنم این خودش توفیقی برای سیستم بانکی باشد و پیش‌بینی می‌کنیم که در ادامه این وضع، در سال جاری ثبات بیشتری داشته باشیم. لذا مشکلی از جهت تأمین نیازهای اساسی کشور نخواهد بود و می‌توان امید آن را داشت که این روند با اطمینان بیشتری ادامه یابد. از جهت ریالی، مشخص است که هر نوع کاهش در درآمدهای ارزی کشور، بلافاصله منجر به کاهش درآمدهای ریالی دولت خواهد گردید. در سال گذشته، ما با کسر بودجه‌ای معادل ۷۰۰ میلیارد ریال روبه‌رو بودیم که تقریباً بیش از ۶۰۰۰ میلیارد ریال آن از طریق سیستم بانکی تأمین شد. مجموعه‌ی آن اقدامات سبب شد که ما بتوانیم نیازهای بودجه‌ای را تأمین کنیم که البته این کار آثاری هم به لحاظ فشار بر نقدینگی و افزایش رشد نقدینگی در کشور برجای گذاشت. سال گذشته، حدود ۲۷/۱٪ رشد نقدینگی داشتیم. حد نقدینگی به رقمی حدود ۱۷۰،۰۰۰ میلیارد ریال رسید. ۵۰٪ این رشد نقدینگی به سبب آثاری بود که بر اثر سیاست‌های مالی بودجه‌ای و رشد بدهی دولت به سیستم بانکی بروز نمود. سپرده بانک‌ها، به رقمی در حدود ۱۵۱،۰۰۰ میلیارد ریال رسید. حدود ۹۰٪ از رشد نقدینگی به صورت انواع سپرده‌ها در سیستم بانکی متمرکز است و در همین مقوله، مجموع تسهیلاتی که بانک‌ها پرداخت کرده‌اند، از رشدی بیش از ۲۰٪ برخوردار

می‌باشد. به هر حال، باید گفت که در افزایش رشد نقدینگی، بخش خصوصی هم نقش داشته است. آنچه در ارتباط با سال ۱۳۷۸ پیش‌بینی می‌شود، این است که ما فکر می‌کنیم درآمدهای ارزی پیش‌بینی شده در بودجه کاملاً تحقق پیدا خواهد کرد. بنابراین، از نظر یکی از اقلام اساسی بودجه، کاهشی نخواهیم داشت. این خود موجب خواهد شد که سیستم بانکی هم از نظر ارزی و هم از نظر ریالی آسودگی بیشتری داشته و بتواند سیاست‌های خودش را از نظر ارزی و ریالی، با وضع و با ثبات تری دنبال کند. تجربه‌ی بیست ساله اقتصاد ما و حتی تجربه‌ی قبل از سال ۱۳۵۷، نشان می‌دهد که میان رشد نقدینگی، میزان تورم، ارزش پول ملی (برابریش با دلار و سایر ارزها)، رابطه برابر بسیار قوی وجود دارد، اگر ما نگران ارزش پول ملی هستیم، اگر نگران میزان تورم هستیم، باید نگران رشد نقدینگی باشیم و تا زمانی که نتوانیم رشد نقدینگی را کنترل کنیم، در بقیه قسمت‌ها فعالیت‌های ما بسیار خنثی شده و کم اثر خواهد بود. بنابراین، در سال جاری، بانک مرکزی و سیستم پولی کلیه کوشش خود را به کار گرفته تا با توجه به تحقق درآمدهای ارزی سمعی کنیم نیازهای دولت به گونه‌ای تأمین شود که آثار منفی از سیاست‌های مالی متوجه سیاست‌های پولی نشود. در همین مقوله بخشی از تأمین نیازهای دولت از طریق انتشار اوراق مشارکت بوده است که خوشبختانه بخش اول اوراق که در همین هفته گذشته منتشر شد، در همان روزهای اول با استقبال بسیار خوبی از طرف مردم روبه‌رو گردید به طوری که طبق آخرین گزارشی که تا پایان وقت دیروز به من رسید، مجموعه رقمی که به عنوان سهم انتشار نوبت اول گذاشته شده بود، تماماً به فروش رسیده است و مردم آن را خریداری کرده‌اند. من همین‌جا اعلام می‌کنم که نوبت بعدی انتشار این اوراق مشارکت در مهرماه خواهد بود. اگر کسانی هستند که متقاضی خرید این اوراق می‌باشند، و تا به حال نتوانسته‌اند خریداری کنند، در فرصتی که در مهرماه است می‌توانند چنین کنند، این اوراق با خصوصیات و ویژگی‌هایی که دارد و یعنی نسبت ۱/۹٪ سود که بیش از سود سپرده‌های بانکی است مورد استقبال مردم واقع گردیده است. ویژگی‌هایی که باعث شده است مردم به این اوراق روی آورند، معاف بودن از مالیات، پرداخت سود سه ماه یکبار و نقدپذیری آنها در بانک می‌باشد که جذابیتی را برای مردم ایجاد کرده است که موجبات فروش تمامی آنها را در مرحله اول فراهم آورده است.

مطلب بعدی، درباره اقداماتی است که باید از لحاظ افزایش کارایی در سیستم بانکی صورت بگیرد؛ نکته‌ای مورد توجه بوده و بخشی از تصمیمات مربوط به آن هم در برنامه سوم اتخاذ شده است. طبیعی است که مسأله کارایی از نکات مهمی می‌باشد که در دستورات اسلامی هم بر آن تأکید گردیده و در همه زمینه‌ها مثل استفاده از منابع طبیعی یا برخورد با طبیعت درباره آن صحبت شده است. در مبحث استفاده از منابع بانکی، انواع سپرده‌ها و پس‌اندازهایی که مردم نزد بانک‌ها دارند که همه اینها جهت رشد و حرکت بیشتر در جامعه به کار گرفته شده است که می‌باید با روش‌های مؤثر و کارآمد استفاده واقع گردد. بدیهی است که ویژگی کارایی، افزایش کارایی، راندمان یا بازدهی بهتر نکاتی است که مورد

توجه می‌باشد. باید ببینیم در چه شرایطی می‌توانیم بحث کارآیی را مطرح کنیم. باید ببینیم که اصولاً فضای کلانی که در اطراف سیستم بانکی به وجود آمده است، آیا جایی برای بحث کارآیی آن خواهد گذاشت یا خیر. برای وارد شدن در مقوله کارآیی و افزایش راندمان اجرایی سیستم بانکی، باید ویژگی‌هایی وجود داشته باشد. بحث کارآیی اصولاً جایی مطرح می‌شود که امکان رقابت و امکان اعمال مدیریت را دارد. وقتی رقابت نباشد، یعنی فقط بگویم یک سیستم و یک مدیریت و یا در شرایطی که روش‌های اعمال مدیریت وجود نداشته باشد، طبیعی است که این بحث را اصلاً نمی‌توان مطرح کرد و همین‌طور در ارتباط با مسأله اختیاری که داده می‌شود، مسئولیتی هم در مقابل آن باید طلب کرد. در نظام بانک‌داری و در سیستم بانکی، ما با مجموعه عواملی روبه‌رو هستیم که بعضی از این خصوصیات را از بین می‌برد. تاکنون نظام بانکی ما یک نظام دولتی و مدیریت دولتی صرفاً در اختیار بخش دولتی بوده است. در چنین نظامی دولتی، تنها شانس‌هایی که مردم از نظر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری آن هم در قالب پس‌انداز دارند، فقط در سیستم بانکی است. مدیریتی که در بانک مستقر شده است و اختیاراتی که دارد، فقط در حد آئین‌نامه‌ها و مجموعه مقرراتی است که به آن دیکته شده است. بخشی از تصمیمات که لازم است در ارتباط با تسهیلات اعطایی اتخاذ گردد، قبلاً به عنوان تسهیلات تکلیفی وضعش معلوم گردیده است. همان‌طور که جناب آقای دکتر نمازی اشاره کردند، بخشی از تسهیلات در قالب پروژه‌های بزرگ قبلاً تصویب شده. طبیعی است در چنین وضعی، بحث افزایش کارآیی چندان جایی نخواهد داشت. من خود را در جای هر یک از مدیران بانک قرار می‌دهم و از آن دیدگاه به اوضاع می‌نگرم. از نظر استخدام گفته شده است که فرمول یکسان است، خواسته شده است در برخورد با یک تخلف مالی همان‌طور برخورد شود که در اداره‌ای یا شهرستانی دیگر با آن برخورد می‌شود. مثلاً اگر در اینجا در مسایل ارزی یا مسایل پولی تخلفی صورت گرفت، نحوه برخورد همانی باشد که در جاهای دیگر است؟ این از مسأله استخدام و مسأله برخورد با تخلفات.

در مقوله‌ی اعطای تسهیلات همان‌گونه که اشاره شد، باز بخشی از آن تسهیلات به عنوان تکلیف منظور می‌شود. خواسته شده است که تسهیلات طبق برنامه معینی اعطا گردد. طبیعی است که در چنین شرایطی، بحث کارآیی بحث زیاد مؤثری نخواهد بود یعنی آنچه به سبب آن بتوانیم از مدیریت بخواهیم با داشتن اختیار، کارآیی را در سیستم بانکی نشان دهد. پس باید در کنار بخش مدیریتی و مدیریت دولتی سپرده‌های مردم، فضای دیگر هم ایجاد کنیم. اکنون بحث براین است که به مدیریت‌های غیر دولتی و بخش غیردولتی در قسمت سیستم اعتباری و سیستم پولی اجازه فعالیت داده شود. خوشبختانه، در این زمینه اقداماتی صورت گرفته که البته کامل نشده ولی در دست تکمیل است. تشکیل بانک تعاون هم اکنون در مجلس و در کمیسیون‌های مربوط به تصویب رسیده و منتظر طرح در صحن مجلس است. این اولین بحثی خواهد بود که ما از نظر بازکردن فضای پولی و اعتباری به سمت بخش خصوصی در حد قانون‌گذاری خواهیم داشت که امیدوارم به تصویب رسیده و به عنوان

اولین بانک خصوصی بتوانیم بانک تعاون داشته باشیم. در کنار این مسأله، اقدام بعدی ما این خواهد بود که بتوانیم مؤسسات اعتباری را هم به سمت تکمیل فعالیت‌هایشان پیش برده و گسترده سازیم. در همین ارتباط مجمع تشخیص مصلحت اخیراً مجوزی را برای افتتاح بانک در مناطق آزاد داده است به طوری که بخش خصوصی با مشارکت بانک‌های خارجی و افراد خارجی بتوانند فعالیت نمایند و این خود نیز از اقداما دیگری است که فضای لازم را باز خواهد کرد. بنابراین، بنده معتقدم که رقابت باید حتماً ایجاد گردد. مدیریت بانک مرکزی، مجموعه کارشناسان، بنده و بقیه دوستانی که در بانک مرکزی هستیم، به هیچ وجه اعتقاد نداریم که اگر پس‌انداز مردم در اختیار بخش غیردولتی بود، از آن استفاده ناصحیح می‌گردید یا اگر پس‌انداز مردم در اختیار دولت بود، حتماً به طور صحیح از آن استفاده می‌شد. اصلاً چنین چیزی نیست. مهم این است بتوانیم با هر مدیریتی پس‌اندازها را جمع‌آوری نموده و درست از آنها استفاده کنیم. بحث این نیست که این پس‌اندازها حتماً باید در مدیریت و در اختیار دولت باشد. آنچه مهم است، بحث استانداردها و نظارت‌هایی است که بانک مرکزی باید با توجه به سیاست‌های پولی انجام دهد.

به هر حال، فرقی نمی‌کند، هم مدیریت دولتی می‌تواند سپرده‌ها را در اختیار داشته باشد و هم مدیریت بخش خصوصی و مسأله حالت عام دارد.

نکته دوم در ارتباط با همین اختیاراتی که عرض کردم عبارت است از: ایجاد ابزارهای مدیریتی در مورد مسایل مربوط به مقررات و آئین‌نامه‌های استخدامی، تشویق و تنبیه و سایر مسایل. خوشبختانه، در لایحه‌ای که مربوط به برنامه سوم می‌شود و جناب آقای دکتر نمازی و بقیه همکاران در دولت کمک کردند به تصویب برسد، قرار شد که تصویب اساسنامه‌ها و آئین‌نامه‌های استخدامی و آئین‌نامه‌های انضباطی به مجامع عمومی بانک‌ها واگذاری شود. مقرر گردید که با توجه به ویژگی‌های خاص سیستم بانکی تصمیم گرفته شود و بنابراین اختیارات بیشتری به مدیریت مورد نظر در سیستم بانکی تفویض گردد.

یکی دیگر از اقدامات دولت که جای قدردانی دارد، این است که در این دوره‌ی دو ساله، دو اقدام اساسی از نظر تسهیلات تکلیفی صورت گرفته است. یکی خلاصه کردن مجموعه تبصره‌های تکلیفی فقط در یک تبصره که به تبصره ۳ معروف است. قبلاً ما با تعداد زیادی تکالیف مختلف در بودجه روبه‌رو بودیم که اکنون دولت آن را مختصر کرده و سقف آن را هم در حد مانده ۶۰۰۰ میلیارد تعیین کرده است. تصمیم تکمیلی در برنامه سوم به این صورت است که تسهیلات تکلیفی سالی ۱۰٪ کاهش پیدا کند، به طوری که تا پایان برنامه سوم به ۵۰٪ آنچه در ابتدای برنامه است برسد. من فکر می‌کنم که این نیز تصمیم بسیار مثبت و خوبی باشد. و بالاخره، تصمیم دیگر دولت که جای تشکر دارد این است که مقرر گردیده سرمایه بانک‌ها به دو برابر آنچه اکنون هست افزایش یابد.

یکی از مشکلاتی که سیستم بانکی ما در رابطه با مجامع بین‌المللی دارد، مسأله کفایت سرمایه و

مسئله برخورداری از حداقل‌هایی است که هر بانک یا هر مؤسسه‌ای از نظر نسبت‌های مالی باید داشته باشد. اگر چنین باشد و ترازنامه و صورت‌های مالی‌اش مورد قبول افتد، می‌تواند متقابلاً از امکانات بین‌المللی برخوردار گردد.

مدت‌هاست سیستم بانکی هیچ نوع افزایش سرمایه نداشته است. جمع سرمایه بانک‌ها رقمی در حدود ۵۰۰۰ میلیارد ریال است. در برنامه سوم پیش‌بینی شده است بتوانیم رقمی حدود ۵۰۰۰ میلیارد ریال سرمایه بانک‌ها را افزایش دهیم که من فکر می‌کنم رقم بسیار مؤثری خواهد بود. اقدام در جهت دو برابر کردن سرمایه بانک‌ها در واقع تکمیل آنچه از نظر نیازهای اولیه برای افزایش کارایی در سیستم بانکی مطرح است، می‌باشد. این نکاتی است که به نظر من برای ایجاد فضای افزایش کارایی و به عنوان پیش‌نیاز در سیستم بانکی لازم است. منتها مطمئناً ما نیازمند اقدامات تکمیلی در دستورالعمل‌ها، در روش‌های اجرایی و در نحوه ارائه خدمات هستیم. این کاری است که قاعداً کارشناسان با تجربه سیستم بانکی باید اقدام کرده و با ارائه نظریات خودشان کمک کنند تا بتوانیم در جهت آن حرکت کنیم. آنچه مهم است بهترین استفاده از مجموعه منابع جمع‌آوری شده در بانک‌ها با حداقل هزینه می‌باشد. سرعت در کار، ارائه خدمات بهتر، جذب بیشتر منابع مردم در سیستم بانکی، گردش سریع‌تر وجوه در سیستم بانکی، مجموعه اقداماتی است که با عنوان خدمات بانکی باید انجام گیرد. به هر حال، امیدواریم با کمک کارشناسان بانکی بتوانیم در این زمینه هم گام‌های مفید و مؤثری در جهت افزایش خدمات برداریم. بخش قابل توجهی از برنامه سوم به مجموعه اقدامات سیستم بانکی تاکید دارد. سیستم بانکی باید مانند یک "کاتالیزور" عمل کرده، مردم را به سرمایه‌گذاری تشویق نموده و در وهله اول آنان را به سمت پس‌انداز جذب کند. مجموعه‌ی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را نیز فعال گرداند. همان‌طور که جناب آقای دکتر نمازی اشاره کردند، در برنامه سوم به دو محور اساسی تأکید گردیده است: مسأله ایجاد اشتغال برای جوانان و مسأله مهار تورم. تعداد جوانانی که در سال‌های آینده وارد بازار کار خواهند شد و تأمین نیازهای آنان از مسایل اساسی برنامه سوم می‌باشد. بر کنترل و کاهش میزان تورم به سطوح پایین‌تر نیز بسیار تاکید شده است. آنچه مسلم است، در شرایط حاضر ما با اوضاع رکود تورمی روبه‌رو هستیم. سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کرده و در کنار آن نسبت تورم هم در اقتصاد ما در حد ۲۰٪ است، این که راه حل مشکل کجاست و چگونه می‌توان بر آن فایز آمد به هر حال همت همه جانبه را طلب می‌کند. همان‌طور که توضیح داده شد، در واقع وضع دوگانه‌ای وجود دارد که اگر به آن دقت نشود و راه صحیح خروج از مشکل را نیابیم، دچار گرفتاری‌هایی خواهیم شد.

بانگاهی به اعداد و ارقام، متوجه می‌شویم که روند پس‌انداز کلی در کشور معمولاً بالای ۲۰٪ است. پس‌انداز ملی در حد ۲۰٪، ۲۵٪ در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷، در کشور ما کاهش پیدا کرده است. پس‌انداز ملی دو جزء اساسی دارد: پس‌انداز بخش خصوصی و پس‌انداز بخش دولتی. پس‌انداز بخش دولتی به درآمدهای دولت و عمدتاً مسأله درآمدهای نفت متکی است. طبیعی است که از سال ۱۳۷۵

به بعد، یعنی سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ به علت کاهش درآمدهای نفت ما با کاهش پس‌انداز در بخش دولتی روبه‌رو بودیم. کاهش پس‌انداز در بخش دولتی موجب کاهش سرمایه‌گذاری در آن شد که کاهش سرمایه‌گذاری در بخش دولتی، به معنای فعالیت کمتر پیمانکاران، فعالیت کمتر مشاوران، و متوقف شدن بعضی پروژه‌ها می‌باشد. طبیعی است که وقتی دولت با درآمد کمتری روبه‌رو شود، بسیاری از پروژه‌هایی که در ارتباط با تداوم سازندگی در بخش سد سازی، جاده‌سازی، بندر و غیره است، همه دچار رکود خواهد شد. رکود در این بخش‌ها به معنای کاهش درآمد افرادی است که در این پروژه‌ها کار می‌کنند که به همان نسبت پس‌انداز بخش خصوصی را هم کاهش خواهد داد. بنابراین، اگر بخواهیم از این وضع خارج شویم، باید به نوعی، فعالیت سرمایه‌گذاری دولت را در حد استاندارد که متناسب با اقتصاد ما هست، حفظ کنیم. در شرایطی که استفاده از منابع داخلی امکان‌پذیر نباشد، ناچاریم از منابع خارجی استفاده کنیم، بحث پروژه‌هایی که در قالب بیع متقابل بیان شده و رقمی در حدود بیش از ۵ میلیارد دلار است، می‌تواند چنین تحرکی را در اقتصاد ما به وجود آورد. در کنار این و در کنار فعالیتی که دولت می‌کند، ایجاد شرایط محیطی برای فعالیت بخش خصوصی هم به عنوان یک امر ضروری خواهد بود تا بتوانیم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را هم فعال کنیم که قاعدتاً آن کار نیز بیش نیازهای خودش را دارد. یکی از ضروری‌ترین این پیش‌نیازها مسأله امنیت اقتصادی است که در مباحث مختلف درباره آن اظهار نظر شده و از اولین مباحثی بود که در مجمع تشخیص مصلحت، در کمیسیون اقتصادی مورد توجه قرار گرفت. البته، به یکی جمع‌بندی مشخص هم رسیدیم که امیدواریم به تصویب نهایی برسد. امیدواریم که مجموعه این اقدامات در ارتباط با ایجاد فضایی برای فعالیت بخش خصوصی، تحرک بیشتر سازندگی در بخش دولتی و سایر موارد بتواند به ما یاری کند. اقتصادمان را از این وضع رکودی که گرفتار هستیم، خارج کند. الان هم که بعضی شاخص‌ها را ملاحظه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که در سال ۱۳۷۸ کاهش مشخصی در بخش سرمایه‌گذاری ساختمان وجود داشته است. در بخش کشاورزی هم با کاهش سرمایه‌گذاری روبه‌رو هستیم. امیدواریم با تحرکی که ایجاد می‌شود، بتوان این دو بخش، یعنی ساختمان و کشاورزی را فعال نمود و اقتصاد را در وضع پررونق‌تری قرار داد.

به هر حال، امیدواریم مجموعه بحث‌های این دهمین سمینار راه‌گشای هدف افزایش کارایی در سیستم بانکی و نیز آماده ساختن آن برای تحقق برنامه سوم باشد؛ دیگر این که مجموعه‌ی سیستم بانکی بتواند وظیفه و مسئولیتش را به خوبی انجام دهد.

من بیش از این مزاحم دوستان نمی‌شوم و برای همه آرزوی سلامت دارم.

**و السلام و علیکم و رحمة الله و بركاته.**